

منظور ما از  
طرح این بحث

آنچه که در باب روح خواه در فنا و خواه در بقا آنهم بانواع  
مختلفه در ادوار مختلفه ملل متنوعه در کتابهای گوناگون  
و تا بحال بحث کرده اند موضوعی است که چون سابقه مفصل

و مبسوط چندین هزار ساله دارد اگر بخواهیم خط سیر هر يك از عقاید مختلفه ملل  
متنوعه در ادوار سالفه تا بحال را بیان کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود و شاید  
موجب ملال خوانندگان گردد. بهتر این میدانیم که این باب را برای دانشمندانیکه  
مایند عقاید گذشته را توضیح و تفسیر نمایند باز بگذاریم. مقالاتیکه از طرفداران  
هر يك از عقاید مذکور برسد بدون اظهار نظر در صورت مختصر و مفید بودن در صفحات  
آزاد درج می کنیم و در این قسمت از نشریه که مخصوص بمعرفة الروح تجربتی  
است خوانندگان گرامی را متوجه عقاید جدیدیکه صاحبان آن آنرا مبتنی  
بر تجربه و حس میدانند بنمائیم.

باید دانست که راجع بعلم الروح تجربتی هم در قرن اخیر مباحثاتی پیش  
آمده و موافقین و مخالفین بسیار دارد که هر يك از دو دسته در اثبات نظر خود کتابهای  
بسیاری تألیف کرده اند که شاید بیشتر آنها ترجمه شده و بنظر خوانندگان گرام  
رسیده باشد ولی چون کتاب جدیدی که دانشمند معروف گابریل دولان تألیف  
کرده تا بحال گمان نمیرود ترجمه شده باشد با ترجمه شیرینی که سر کارسرهنگ  
معیری از کتاب مزبور کرده اند در ذیل عنوان روان جاویدان که نام انتخابی  
مؤلف شهیر آن است درج مینمائیم نظر باینکه دانستن هر چیز بهتر از ندانستن  
آنست امیدواریم از نظر تازگی و بیسابقه می مورد توجه خوانندگان  
گرامی گردد.

احمد اختر



## روان جاوید

اثبات بقای روح بوسیله تجربه و آزمایش

### مقدمه

بشر تا کنون از طریق دیانت یا از روی احساسات و افکار شخصی بوجود ارواح قائل بوده و تمهیداً بدون هیچ دلیل و منطقی بقای روح را قبول کرده و هیچگاه در جستجوی حقیقت آن نبوده .

امروز خوشبختانه آزمایشهای علمی طریقه نوینی ابداع و مارا موفق نموده است که بتوانیم با ارواح ملاقات کرده و فلسفه روح را چنانکه باید و شاید شناخته و بخصوصیات آن پی ببریم .

مطالعه و بررسی دقیق در طرز عمل روح در موقع تظاهر (حساسیت - هوش - ادراک - اراده) شخصیت و فعالیت آنرا بمائتابت میکنند . ولی تا حال معلوم نبود این تظاهرات بیچه وسیله و چگونه انجام میشود ترقیات تازه در علم معرفت الروح تجربتی و معرفت الاعضاء مدلل کرده است که یک بستگی بسیار نزدیکی بین زندگانی روحی و وضعیت جسمانی در این تظاهرات وجود دارد که بواسطه پیوستگی و رابطه روح با جسم مادی این گونه اعمال امکان پذیر میشود .

در تمام احوالات یک رابطه واضحی بین روح و تغییر و تبدیل ساول های دماغی بر قرار است ولی تجارب و اطلاعات علماء در همین جا محدود شده یعنی علم دیگر لیاقت و توانائی آنرا ندارد که بتواند حقیقت را بیان کرده و بما بفهماند چرا ماده و سلولی که بواسطه کار زیاد و فرسودگی خراب شده و از بون میرود جانشین آن تمام خاطرات گذشته روح را برای همیشه حفظ و نگاهداری مینماید . اگر خاطرات در سلولهای دماغی ضبط میشوند پس از آنکه سلولهای حافظه خاطرات خراب شده، و از بین رفتند لازم است همه خاطرات و محفوظات هم از بین بروند .